

مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35393>



مقاله پژوهشی

بررسی اخلاقی حقوقی جرم اهانت به مقدسات در پرتو نظام حقوقی ایران و انگلستان با تأکید بر مسؤولیت مشدد دولت

آرزو قربانی^۱، محمدرضا شادمان فر^{۲*}، مسعود حیدری^۳، محمود اشرافی^۴

۱. دانشجوی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۴. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دولت‌ها مکلف به تضمین حق بر آزادی بیان برای مردم هستند. در دهه هشتاد میلادی با اوج‌گرفتن تفکرات راجع به آزادی بیان، این ایده وارد حوزه حقوق و سیاست شد که محدودیت‌هایی که در ارتباط با اهانت و استهزای ادیان و مقدسات وجود دارد، به نوعی نقض حق آزادی بیان می‌باشد. در همین راستا برخی دولت‌ها اقدام به جرم‌زدایی اهانت به مقدسات نمودند. هدف این مطالعه بررسی جرم توهین به مقدسات از منظر اخلاق و حقوق در چارچوب دو نظام حقوقی ایران و انگلستان و با نگاهی به مسؤولیت مشدد دولت است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش پژوهش حاضر، ضمن توجه به اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اهانت به مقدسات در چارچوب مبانی اصلی اخلاق که به صورت مشترک در مکاتب مختلف اخلاقی مورد پذیرش قرار گرفته است، مجاز نیست. در نظام حقوقی ایران اهانت به مقدسات صرفاً محدود به مقدسات دین مبین اسلام نیست. در نظام حقوقی انگلستان اهانت به مقدسات دین مسیحیت ممنوع بود و در نهایت پس از سال ۲۰۰۸، به طور کلی از مجموعه مقررات کیفری حذف شد. جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات، منتهی به نقض حق بر آزادی مذهبی و عدم تبعیض بر اساس دین و مذهب می‌شود.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد تعهدات دولت‌ها در زمینه تضمین آزادی‌های مذهبی و عدم تبعیض بر اساس دین و مذهب دارای وصف «آمره» می‌باشد، در نتیجه در فضای حقوق مسؤولیت بین‌المللی این امکان وجود دارد که الگوی مسؤولیت مشدد (یا همان مسؤولیت برای نقض قواعد آمره) برای دولت‌ها در نظر گرفته شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

واژگان کلیدی:

اهانت به مقدسات

حقوق بشر

مسؤولیت دولت‌ها

قواعد آمره

* نویسنده مسؤول: محمدرضا شادمان فر

آدرس پستی: ایران، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، گره حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۸۱۵۵۱۳۹۹۹۸

پست الکترونیک:

Mrsh23@gmail.com

۱. مقدمه

رسالت اصلی هنجارهای حقوقی تنظیم روابط میان تابعان حقوق است. در فرایند تولد این هنجارها ابتدا نیازهایی برای تابعان حقوق ایجاد می‌شود که به منظور رفع آن‌ها و در جهت تأمین منافع خود روابطی را با یکدیگر ایجاد می‌کنند. تأمین منافع بستگی به میزان قدرت دارد و هرچه میزان قدرت بیشتر باشد، منافع بیشتری تأمین می‌شود. از این رو لازم است که هنجارهایی وجود داشته باشند تا قدرت را مهار کنند. این هنجارها ابتدا در قامت هنجارهای اخلاقی و سپس در قامت هنجارهای حقوقی در فضای روابط میان تابعان حقوق، متولد می‌شوند (۱). نظم و شکل هنجارهای حقوقی و اخلاقی تا حدود زیادی، سایه‌ای از نظم و شکل نیازها، منافع و قدرت و در یک کلام «فضای روابط تابعان حقوق» است. در حال حاضر از یکسو با سایه‌انداختن فضای پست‌مدرنیسم بر زندگی بشر، روابط نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه شده است و از سوی دیگر اصول و قواعد عالم حقوق از بدو تولد برای مواجهه با این چالش‌ها طراحی نشده‌اند. نتیجه منطقی این فضا، پیچیده‌تر شدن مناسبات مفاهیم، اصول و قواعد حقوقی است (۲).

در فضای روابط میان تابعان حقوق، متغیرهای مختلفی وجود دارد که هر کدام بر اساس یک نیاز انسان ایجاد شده‌اند. یکی از نیازهای مهم انسان نیاز به آرامش روح و فکر می‌باشد. اصولاً اولین کاربرد دین و نمادهای آن، ایجاد آرامش و تسکین در قلب انسان است. دین در جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان و در تمامی شؤون وجودی او اثر می‌گذارد و می‌تواند آثار و نتایج بیشماری از جمله برادری و احساس اشتراک، همبستگی اجتماعی، سعادت، اصلاح فرد و اجتماع، ساده‌زیستی و آرامش، احساس شرافت و بزرگی و... به جا بگذارد، چنانکه انسان در نتیجه آن خود را می‌شناسد و به جایگاه واقعی خود پی می‌برد و به کرامت و تعالی دست می‌یابد.

در پاسخ به این نیاز انسان، حق بر آزادی مذهبی و عدم تبعیض (بر اساس دین و مذهب) در فضای حقوق بشر تعریف شده است و دولت‌ها مکلف به تضمین این حق برای مردم هستند. در دهه هشتاد میلادی با اوج‌گرفتن تفکرات درباره آزادی بیان، این ایده وارد حوزه حقوق و سیاست شد که محدودیت‌هایی که در ارتباط با اهانت و استهزای ادیان و مقدسات وجود دارد، به نوعی نقض حق آزادی بیان می‌باشد، در نتیجه برخی دولت‌ها از جمله انگلستان، اقدام به جرم‌زدایی اهانت به مقدسات در نظام حقوق کیفری خود نمودند. از طرفی در فضای منطق عقلی، هیچ کس حق سوءاستفاده از حق خود را ندارد و اعمال حق نمی‌تواند در هیچ حالتی موجبات واردکردن ضرر و آسیب به دیگران را فراهم آورد. این قاعده تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی و همچنین نظام حقوق بشر بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است.

ممنوعیت اهانت و به طور خاص اهانت به مقدسات، ارتباط نزدیکی با مبانی اصلی اخلاق دارد. به تعبیری، اصول مبنایی اخلاق (اعم از فضائل و رذایل اخلاقی) نیز که تقریباً در تمام رویکردها و مکاتب اخلاقی به صورت مشترک وجود دارند، در اصطلاح با اهانت به مقدسات قرار دارند. همچنین هنجارهای اخلاقی اولین معیار برای تنظیم روابط انسان‌ها و از مبانی اصلی هر نظام حقوقی محسوب می‌شود.

اهانت به مقدسات در نظام حقوقی ایران که یک نظام حقوقی تلفیقی (اسلامی و رومی - ژرمنی) می‌باشد، همچون نظام حقوقی کامن‌لای انگلستان مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. اولین پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که نحوه جرم‌انگاری رفتار مزبور در این دو نظام چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته است؟ به بیان ساده‌تر، قلمرو جرم مزبور در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟ علاوه بر این، جرم‌زدایی اهانت به مقدسات در نظام حقوقی انگلستان چه آثاری را از نظر حقوقی در پی خواهد داشت؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق، ابتدا اهانت به مقدسات را در پرتو مبانی اخلاقی مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد، سپس به تحلیل جرم مزبور در چارچوب نظام حقوق داخلی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت و در نهایت آثار جرم‌زدایی اهانت به مقدسات را با تأکید بر مسؤولیت دولت مورد توجه قرار خواهیم داد.

لیکن پیش از ورود به بدنه تحقیق، در ارتباط با پیشینه پژوهش باید عنایت داشت که اهانت به مقدسات در برخی پژوهش‌ها مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

محسن رهامی و سیروس پرویزی در مقاله‌ای تحت عنوان «اهانت به مقدسات دینی در حقوق ایران و انگلیس» که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده، آورده‌اند که در برخی کشورها از جمله ایران، احکام دینی، از منابع اصلی قانونگذاری است و با اعمال مقرراتی، از مقدسات دینی حمایت قانونی صورت گرفته است. همچنین علاوه بر ممانعت کیفری از اهانت به حریم پیامبر اسلام (ص)، ائمه معصومین (ع) و سایر مقدسات دینی از حرمت سایر انبیای عظام الهی نیز حمایت شده است. در برخی کشورهای دیگر، از جمله انگلیس که در طی دورانی، نظام کلیسا بر آن حکومت می‌کرد نیز از مقدسات دینی حمایت قانونی پراکنده‌ای صورت گرفته، اما این حمایت‌ها تنها در مورد دین اکثریت مردم همان کشور بوده است، اما بسیاری از کشورها چنین حمایتی را نسبت به مقدسات پیش‌بینی نکرده و جرم‌انگاری چنین اعمالی را در تعارض با آزادی بیان و عقیده و قواعد حقوق بشر می‌پندارند. حال اینکه منظور از مقدسات دینی چه چیزهایی است و آیا هر نوع توهینی به مقدسات، مشمول حکم توهین به مقدسات دینی می‌شود یا نه؛ همچنین حکم توهین به هر یک از مقدسات اختصاصی مذاهب اسلامی چیست و نیز بررسی مقررات و رویه قضایی انگلیس درخصوص اهانت به مقدسات دینی و اسلامی، مسائلی

است که در این نوشتار با استفاده از روایات و آرای فقهی و سایر منابع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (۳).

در مقاله «جرم اهانت به مقدسات در نظام حقوقی اسلام و کامن‌لا» نوشته سیدحسین هاشمی که در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است، از نظر نویسنده، برخی کشورها، از جمله ایران که روابط حقوقی آن‌ها بر پایه قوانین اسلامی بنا نهاده شده و انگلستان که بر مبنای نظام کامن‌لا اداره می‌شود، نسبت به مقدسات دینی به نوعی حمایت‌های قانونی را اعمال می‌نمایند و پاره‌ای دیگر از کشورها جرم‌شناختن توهین به مقدسات را مخالف آزادی بیان و حقوق بشر می‌پندارند. در حقوق اسلام مقدسات دینی مورد حمایت حقوقی قرار گرفته و توهین به آن از جرائم مهم به شمار می‌رود. علاوه بر این از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت، توهین به سایر پیامبران الهی (ع) نیز جرم محسوب می‌شود، اما در نظام حقوقی کامن‌لا فقط نسبت به مقدسات دین مسیحیت، حمایت‌های حقوقی اعمال گردیده و سایر ادیان الهی مورد پشتیبانی قانونی قرار نگرفته‌اند، به همین دلیل با وجود آنکه توهین «سلمان رشدی» به پیامبر گرامی اسلام (ص) در کشور انگلستان واقع شده، ولی دادگاه‌های این کشور عمل مزبور را غیر قابل تعقیب اعلام نمودند که این مسأله نه‌تنها موجبات اعتراض شدید مسلمانان را برانگیخته، بلکه برخی از حقوقدانان غربی نیز نتوانسته‌اند در مورد تبعیض‌آمیز بودن این قاعده و غیر منطقی و ناعادلانه بودن آن سکوت نمایند (۴).

باید اذعان داشت، در پژوهش‌های موجود، صرفاً تأکید بر بررسی اهانت به مقدسات در نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌باشد، لیکن در مقاله حاضر، علاوه بر شناخت مبانی اخلاقی و ارکان جرم اهانت به مقدسات، مسؤولیت دولت در ارتباط با جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز باید عنایت داشت که جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات در سال‌های اخیر،

موجی از تنش‌های مذهبی در نقاط مختلف جهان را آغاز کرد. از یکسو برخی دولت‌ها به بهانه تضمین آزادی بیان، اهانت به مقدسات را جرم‌زدایی نموده‌اند و از سوی دیگر با این عمل، امنیت روانی و مذهبی اقلیت‌ها در قلمرو دولت‌های مزبور با چالش مواجه شده است. با در نظر گرفتن جرم‌زدایی اهانت به مقدسات، جریان‌ها و گروه‌های افراطی اقدام به فعالیت‌های گسترده تبلیغی در سطح جامعه می‌کنند که باعث افزایش خشونت‌ها می‌گردد. نکته جالب توجه این است که به واسطه جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات، عملاً پیروان مذاهب نمی‌توانند احترام به عقاید و باورهای مذهبی خود را در جامعه مطالبه کنند و در صورت نقض حق مزبور، دولت اساساً ابزاری برای پیگیری مطالبات قسمتی از جامعه را از دست می‌دهد. در اینجا است که باید تکلیف این بخش از جامعه که حق آزادی‌های مذهبی و عدم تبعیض آن‌ها نقض شده است، مشخص شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن توجه به اصالت متون، اصول صداقت و امانتداری نیز رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری است و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اولاً اهانت به مقدسات در چارچوب مبانی اصلی اخلاق که به صورت مشترک در رویکردها و مکاتب مختلف اخلاقی مورد پذیرش قرار گرفته است، مجاز نیست؛ ثانیاً اهانت به مقدسات در نظام

حقوقی ایران صرفاً محدود به مقدسات دین مبین اسلام نیست، اما در نظام حقوقی انگلستان صرفاً اهانت به مقدسات دین مسیحیت ممنوع بوده که در نهایت پس از سال ۲۰۰۸، به طور کلی از مجموعه مقررات کیفری حذف شد؛ ثالثاً جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات منتهی به نقض حق بر آزادی مذهبی و عدم تبعیض بر اساس دین و مذهب می‌شود. در واقع این رویه موجب افزایش تنش در سطح جامعه و افزایش خشونت علیه اقلیت‌های مذهبی می‌شود، در نتیجه عملاً اقلیت‌های مزبور نمی‌توانند به واسطه وجود حساسیت بالا در جامعه، آزادانه به انجام مناسک و امور مذهبی خود بپردازند. به علاوه جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات موجب ایجاد مسئولیت برای دولت‌ها می‌شود. از آنجا که آزادی‌های مذهبی و عدم تبعیض در نظام حقوق بشر بین‌الملل، مصداقی از حقوق بنیادین بشری محسوب می‌شود و دارای وصف آمره است، چنانچه دولتی اقدام به جرم‌زدایی اهانت به مقدسات نماید، در معرض مسئولیت مشدد قرار می‌گیرد.

۵. بحث

۵-۱. اهانت به مقدسات در پرتو مبانی اخلاقی: در مبانی علم اخلاق، اصول و رهنمودهایی وجود دارد که به صورت مشترک در تمام مکاتب و رویکردهای اخلاقی اصلی در جهان مورد پذیرش قرار گرفته است. این مبانی محدود به مرزهای جغرافیایی، ادیان یا مذاهب خاص نیستند، بلکه ریشه در فطرت انسان دارند و تشکیل‌دهنده هسته اصلی اخلاق می‌باشند (۵). همچنین این تعالیم و رهنمودها می‌توانند پایه و اساس برخی راهکارهای مقابله با اهانت قرار گیرند. در مباحث پیش رو قصد داریم تا روشن سازیم که چه مبانی اخلاقی برای مقابله با اهانت‌کنندگان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به علاوه بعضی از راهکارهای مقابله با اهانت رابطه‌ای عمیق و مستحکم با تعالیم اخلاقی دارند که در صورت عدم توجه به این پایه‌های اخلاقی، نمی‌توان راهکارهای

مذکور را به درستی درک کرد و آن‌ها را در جایگاه خود به کار گرفت.

۵-۱. فضائل اخلاقی: فضایل و کرامات اخلاقی، از جمله مبانی مذکور برای مواجهه با اهانت به مقدسات می‌باشند. پرکاربردترین این فضائل عبارتند از:

- به رسمیت‌شناختن اختلاف‌نظرها: در تمامی جوامع تنوع و تعدد مذاهب وجود دارد و اختلاف عقیده واقعیتهای اجتناب ناپذیر است. باید پذیرفت که همه انسان‌ها عقیده یکسان ندارند و بسیاری امور در انتخاب مسیر آن‌ها دخالت دارد (۶). بنابراین پذیرفتن اختلاف نظرها و عقاید و دوری از کینه و استحکام پیوندها و احترام به سلیقه‌های یکدیگر را باید اولین و مهم‌ترین گام اخلاقی رفتارکردن به حساب آورد (۷).

- احترام متقابل: احترام متقابل در روابط میان انسان‌ها در پرتو دو اصل مهم نمایان می‌شود: ۱- احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر؛ ۲- تأکید بر انسان‌بودن با رعایت احترام از سوی طرف مقابل. بخش مهم این احترام، رعایت مقدسات و توهین‌نکردن به آن‌ها می‌باشد، حتی اگر از منظر خودمان قداستی نداشته باشد. بنابراین برخورد اخلاقی از این منظر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در یک ارتباط متقابل اخلاقی شایسته دو طرف خود را مورد انتقاد قرار می‌دهند و به اشتباهات رفتاری خود پیش از اشاره طرف مقابل پی می‌برند. هیچ یک از طرفین نسبت به عقاید خود پافشاری غیر منطقی ندارند و تا حد معمول نسبت به رفتارهای متعصبانه خود تغییرپذیر می‌باشند. طرفین نسبت به یکدیگر نرم‌خو و خوش گمان هستند و رفتاری را نشان می‌دهند که انتظار دارند طرف مقابل آن را با خودشان داشته باشد (۸).

- حلم: حلم عبارت است از حفظ آرامش روحی در مواجهه با اتفاقاتی که افراد عادی در رویارویی با آن‌ها دچار هیجانات روحی و استرس و اضطراب درونی می‌گردند. این افراد بیشتر از سایرین به حلم نیاز دارند: فرد راستگویی که از سوی دیگران دروغگو به حساب می‌آید، کسی که رسالتش دعوت به

راه راست است و در این راستا با توهین و تمسخر دیگران مواجه می‌شود، فردی که حق او مورد تضییع قرار گرفته است، کسی که رفتار نامناسب و یا خشن با افراد نادان دارد و کسی که بدون ارتکاب جرم مورد آزار و مجازات قرار می‌گیرد؛ لذا حلم پایه و اساس مقابله با افراد توهین‌کننده است (۹).

- عفو: عفو، از جمله فضایل اخلاقی و نقطه مقابل انتقام است و به معنای بخشیدن خطا، ضرر و تجاوز یا تعدی است که فرد دیگری مرتکب می‌شود. نازل‌ترین درجه عفو، عفو ظاهری است که همان بخشیدن حقوق خود مانند قصاص و غرامت می‌باشد. به این معنا که انسان ظلم و تجاوزی را که نسبت به او انجام شده است، مورد بخشش قرار دهد. درجه بالاتر از عفو ظاهری، عفو باطنی است و به معنای از بین‌بردن کدورت و کینه از دل و روح می‌باشد. احسان به متجاوز یکی از شروط عفو در مرحله کمال است و زمانی تحقق می‌یابد که متجاوز از عمل خود احساس ندامت کند. بخشش فرد خطاکار و متجاوز موجب عزت نفس و کرامت انسان می‌گردد (۱۰).

- رفق، مدارا و طیب کلام: رفق از جمله آثار حلم است و در گفتار به معنای بیان حق با زبان نرم و کلام خوش و در کردار به معنای اجرای حق با رفتاری آرام و متین و به دور از هیجان و اضطراب می‌باشد. رفق موجب کنارکشیدن از اهداف و سازگاری بیش از حد و دست کشیدن از تلاش نمی‌شود.

از دیگر مبانی اخلاقی مواجهه با افراد توهین‌کننده طیب کلام می‌باشد. طیب کلام به معنای خوش‌سخنی و رعایت ادب و نزاکت در برخورد با دیگران است و از جمله مصادیق آن می‌توان به مراءنکردن، به کارنبردن جملاتی که منشأ عداوت و دشمنی دارند، مراقبت در کیفیت گفتار و توجه به ابعاد مختلف سخن اشاره کرد (۱۱).

۵-۱-۲. رذائل اخلاقی: همانطور که در رویارویی با توهین و اهانت لازم است فضائل اخلاقی مذکور را اساس مواجهه و به کارگیری راهکارهای لازم در نظر گرفت، در این زمینه از بسیاری رذائل اخلاقی نیز باید دوری جست.

- تعییر: تعییر به معنی دنبال و فاش کردن نواقص دیگران بدون دلیل موجه و شرعی و به قصد سرزنش و آزاررساندن است که در زمره توهین و اهانت قرار می‌گیرد و در آموزه‌های اخلاقی به آثار زشت و ناپسند آن اشاره شده است (۱۲).

- انتقام‌جویی: انتقام‌جویی در لغت به معنی مجازات کردن و از آثار خشم می‌باشد و مقابل گذشت قرار دارد. هیچ فردی در انتقام‌جویی از نظر اخلاقی آزاد نیست. برای مثال اگر کسی مورد غیبت، تهمت یا دشنام شخص دیگری قرار گیرد، مجاز به تکرار آن عمل و انتقام‌جویی نمی‌باشد. قصاص و غرامت دو مسأله مطرح در زمینه جبران تجاوز به حق اشخاص است که البته به معنای انتقام‌جویی بی‌اندازه و نا به جا نیستند. بنابراین در آموزه‌های دینی و اخلاقی اصلی بر مبنای مجازدانستن انتقام‌جویی وجود ندارد (۱۳).

- حقد و کینه‌ورزی: کینه از آثار خشم و عصبانیت و متناظر با انتقام‌جویی است. خشم و غضب اگر به انتقام‌جویی منجر شود، به یک رذیله اخلاقی تبدیل شده و اگر در دل بماند و به انتقام‌جویی ختم نشود، به کینه که خود نیز یک رذیله اخلاقی است، تبدیل می‌شود. از جمله آثار خطرناک حقد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد حسد، مبتلا شدن به غم و اندوه، رنجش و ناراحتی همیشگی، از بین رفتن روحیه تعاون و خلوص نیت (۱۴).

۵-۲. اهانت به مقدسات در نظام کیفری ایران: از جمله

معضلات نگران‌کننده در ایران و جهان که روز به روز افزایش چشم‌گیری داشته، معضل مذهب‌ستیزی و اهانت به مقدسات است که ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکر امنیت، آسایش و آرامش اجتماعی فرود می‌آورد و ثبات سیاسی و اجتماعی را تهدید می‌کند. افزایش این معضلات موجب ریختن قبح این عمل زشت و عادی‌سازی آن در بین مردم شده و خشم پیروان ادیان، هرج و مرج و حتی درگیری در کشورهای مختلف را به دنبال دارد.

۵-۲-۱. قلمرو مفهوم توهین به مقدسات: در ملل اسلامی از جمله ایران منابع و مآخذ مذهبی اهمیت به سزایی دارند. قوانین مذهبی بر حقوق مؤثر بوده و حاکمیت برتر دارند. همچنین پیشوایان دینی از حسن شهرت و تقدس خاصی برخوردارند. مسلمین اکرام به تمامی رسولان الهی را لازم و نوع بی‌احترامی و توهین به آنها را زشت و نکوهیده و درخور مجازات می‌دانند. بر این اساس جرم‌انگاری اهانت به مقدسات به علت تلاقی با نظم و اخلاق عمومی، با قوانین حقوق بشر بین‌المللی همخوانی دارد. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان را برای صیانت از اخلاق عمومی محصور می‌کند. در این بیانیه، گفتار کفرآمیز از مفاهیم ضد اخلاق عمومی بیان شده است. بنابراین می‌توان برای آزادی بیان حد و حدودی در نظر گرفت؛ هرچند کشورهایی که بر اساس قوانین داخلی خود از این مطلب استفاده قانونی کرده‌اند، پیوسته توسط سازمان‌های وابسته به حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (۱۵). همچنین در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، از دو متغیر مهم یعنی نظم عمومی و مقتضیات اخلاقی به عنوان دو عامل محدودکننده یاد شده است (۴).

اهانت از ریشه وهن و به معنای سست و خفیف کردن (۱۶)، خوار کردن، خوار شمردن، ضعیف شمردن و حقیر و سبک داشتن می‌باشد (۱۷). توهین در لغت به معنی ضعیف ساختن است و در زبان عربی بجای آن اهانت می‌گویند. در تعریف اصطلاحی اهانت آمده است: نسبت دادن هر امر وهن‌آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا تخفیف و پست شدن طرف گردد. در اینجا اهانت به این معناست که یکی از شخصیت‌ها یا اشیاء یا اعتقادات مورد احترام دین اسلام تحقیر شود (۳).

معنای اصطلاحی مقدسات به معنای لغوی آن نزدیک بوده و عبارت است از ذات باری‌تعالی، قرآن کریم و تمامی اشخاص،

مکان‌ها و زمان‌هایی که از هرگونه ناپاکی منزّه بوده و رعایت حرمت آنها ضرورت دارد (۱۸).

به نظر می‌رسد مقدسات اسلامی در درجه اول ذات باری تعالی است و پس از آن مکان‌ها، چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین اسلام، مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند، مثل قرآن کریم، کعبه، مزار پیامبر و امامان (ع)، شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام هم واجب‌التعظیم هستند، مثلاً حضرت مریم یا هاجر و شخصیت‌های اسلامی مثل حضرت ابوالفضل، علی اکبر، حمزه، زینب، خدیجه و ... (۱۹).

۲-۲-۵. پیشینه مجازات اهانت به مقدسات در ایران: در گذشته اهانت به مقدسات به علت نبود فناوری‌های جدید بیشتر از طریق مطبوعات و توسط اهل قلم صورت می‌گرفت. لذا در قوانین مطبوعات برای جلوگیری از گسترش این جرم مقرراتی در نظر گرفته شده است که اهم آنها عبارت است از: ماده واحده مصوب ۱۳۲۷/۱۲/۱۲ قانون اصلاح قانون مطبوعات: «هرگاه در روزنامه به پادشاه یا اعضای خانواده سلطنتی و یا به اساس دین اسلام و اصول احکام آن و مقام مقدس انبیاء و ائمه اطهار اهانت و هتک حرمت شود، فوراً به ضبط اوراق منتشره و توقیف مرتکب اقدام و ظرف ۲۴ ساعت پرونده را نزد دادستان ارسال و دادستان فوراً به دادگاه صلاحیت‌دار بفرستد».

ماده ۱۳ قانون مطبوعات ۱۳۳۴: «هرکس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود». ماده ۱۷ قانون مطبوعات ۱۳۳۱ نیز همین جرم را بیان کرده بود.

ماده ۲۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا ۲ سال حبس جنجهای محکوم می‌شود».

ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۷۹ ش.): «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند: ۱- ...؛ ۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن».

ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۷۹ ش.): «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر می‌شود و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

۲-۲-۵. اهانت به مقدسات در مجموعه قوانین کیفری ایران: در حال حاضر، عنصر قانونی جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران، ماده ۲۶۲ و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (قسمت تعزیرات) و ماده ۲۶ قانون مطبوعات است. طبق ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی «هر کس پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، سابلنبی است و به اعدام محکوم می‌شود». طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی (قسمت تعزیرات) «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول سابلنبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». در این ماده توهین به هر یک از انبیای الهی ممنوع و جرم‌انگاری شده است. از نظر عده‌ای از حقوقدانان، کلیه انبیای الهی و شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر قرآن و اسلام واجب‌التعظیم هستند، جزء مقدسات اسلام محسوب می‌شوند و مشمول این ماده می‌باشند (۱۹).

ماده ۲۶ قانون مطبوعات اسلامی نیز توهین به مقدسات اسلامی اعم از شیعه و سنی (مذاهب چهارگانه) را جرم شناخته، اما اهانت به سایر ادیان رسمی کشور را جرم شناخته است (۳).

همچنین عنصر قانونی جرم اهانت به مقدسات در قوانین مطبوعاتی موضوعه، مواد (۶، ۲۶) و تبصره ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ و اصلاحی ۱۳۷۹ می‌باشد.

ضمانت اجرای کیفری تخلف از بندهای ۱ و ۷ ماده ۶ در ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ پیش‌بینی شده است.

درست است که اهانت به مقدسات اسلامی در مواد قانونی اشاره شده، اما از آنجایی که واژه «مقدسات اسلامی» به صورت کلی در قوانین بیان شده و تفسیر روشنی از آن ارائه نگردیده است، لذا این قواعد را باید در منابع شرعی جستجو کرد. همان‌گونه که به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی، دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قضات تکلیف دارند، به منابع شرعی رجوع کنند (۱۸).

۴-۲-۵. رویه‌های قضایی مرتبط با اهانت به مقدسات در ایران: در ایران تاکنون چند مورد حکم محکومیت در مورد توهین به مقدسات و ساب‌النبی (ص) صادر شده است که قدیمی‌ترین و مشهورترین آن‌ها در مورد سلمان رشدی است که با چاپ و انتشار کتاب آیات شیطانی شخصیت پیامبر (ص) را مورد توهین و افترا قرار داد و امام خمینی (ره) به عنوان عالم فقیه و پیشوای دینی، فرمان اجرای عمومی حکم را ابلاغ کرد. این موضوع فرآیندی قضایی و پیچیده محسوب می‌شود و نمی‌توانیم آن را مصداق قضاوت و بررسی جرم از منظر عامه مردم قلمداد کنیم (۴).

از دیگر رأی‌های صادره‌شده موضوع اهانت به مقدسات در پرونده شعبه ۴ دادگاه همدان در مورد ساب‌النبی و توهین به مقدسات توسط آقای ه.آ بود که به اتهام مخالفت با دین اسلام توسط دادگاه همدان، به ارتداد و اعدام محکوم شد، اما در مرحله بعد، شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور با لحاظ دفاعیات متهم، وی را از اتهام ساب‌النبی و ارتداد مبرا کرد. با توجه به دفاعیات متهم، وی در مقام اظهار عقیده خود نسبت به اشخاصی بوده که بدون اینکه برای خود، مبنای فکری قائل باشند، فقط به تقلید صرف و بدون اندیشه می‌پردازند و درصدد این نبوده که

بخواهد نسبت‌هایی را که به این اشخاص داده، منتسب به دین اسلام نماید، لذا به دلیل عروض شبهه در تحقق ساب‌النبی یا ارتداد و مد نظر قراردادن قاعده فقهی مسلم و معتبر درء‌الحدود، به نظر می‌رسد که حکم به رد ارتداد، صحیح است (۳).

۳-۵. اهانت به مقدسات در نظام کیفری انگلستان:

نظام حقوقی کامن‌لا از دیرباز، توهین به مقدسات (بلس فمی)، جرم شناخته شده و مواردی را دربر می‌گیرد که مرتکب با انتشار مطالبی علیه حقانیت مسیحیت یا حضرت مسیح یا انجیل، احساسات مسیحیان را شدیداً جریحه‌دار می‌کند. در واقع بلس فمی، یعنی انکار وجود یا مشیت الهی، انتقاد و قیحانه از عیسی مسیح، توهین به کتب مقدس یا توهین و تمسخر هر بخشی از آن (۲۰).

د.جی فلدمن مشاور حقوقی در کمیته مشترک (از کمیته‌های مجلس اعیان در زمینه امور دینی) در خصوص حقوق بشر، در ارائه تعریف نوین از این جرم، با توجه به احکام صادره در دعاوی مختلف بیان می‌دارد که به نظر می‌رسد توهین به مقدسات با این نوع اهانت‌ها صورت می‌گیرد: «با الفاظ، تصاویر و رفتاری که هر شخصی می‌تواند در معرض دید عموم از خود بروز دهد و با آن‌ها، اعتقادات، نهادها یا موضوعات و شعائر مقدس کلیسای انگلستان را که قانوناً به رسمیت شناخته شده، مورد انکار قرار دهد و یا به آن‌ها شدیداً اهانت و بی‌حرمتی نماید یا اینکه فعلی زشت، زننده و اهانت‌بار یا سوءرفتاری نسبت به موضوعات مقدس، جهت ایجاد شک و بی‌حرمتی نسبت به احساسات کل معتقدان به کلیسای انگلستان در جامعه صورت گیرد» (۲۱).

اگرچه بلس فمی در آغاز، شعبه‌ای از جرم ارتداد تلقی می‌شد و در دادگاه‌های کلیسا در کنار دیگر جرائم دینی همچون کفر و شرک مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، اما پس از مدتی به عنوان اتهامی عمده، جایگزین ارتداد شد (۲۲).

در تازه‌ترین تعریف از مقدسات دینی، خدا، حضرت عیسی (ع)، کتاب مقدس یا کتاب ادعیه مخصوص و قواعد و مقررات

صادره از سوی کلیسای رسمی انگلیس به عنوان مصادیق چنین مقدساتی شمرده شده است. در کشور انگلستان فقط مقدسات دین مسیحیت، حضرت مسیح و حضرت مریم مورد توجه قرار گرفته و از مقدسات و انبیای سایر ادیان الهی صحبتی به میان آورده نشده است.

به طور مثال در دعوایی که در سال ۱۹۹۱ برای اولین بار مطرح شد، تلاش شد که مقررات راجع به کفرنویسی به سایر مذاهب نیز تسری پیدا کند. در این دعوا که علیه سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی و نیز ناشر این کتاب طرح شده بود، دادگاه تصریح کرد که مقررات موجود فقط راجع به مسیحیت است و دادگاه حق تسری آن‌ها را به سایر ادیان ندارد، لذا این پرونده بدون نتیجه‌ای مختومه اعلام شد و بر اساس آن سلمان رشدی تحت پیگرد قانونی قرار نگرفت (۲۳). با توجه به پرونده‌هایی که در دادگاه‌های انگلیس مطرح شده بود، برای جلوگیری از تبعیض نسبت به مذاهب مختلف، پیشنهاد شد که مقررات کفرنویسی در حقوق انگلستان لغو و به همان جرائم مذکور در قانون نظم عمومی بسنده شود. این پیشنهاد در سال ۱۹۸۵ مورد حمایت اکثریت اعضای کمیسیون حقوقی که راجع به جرائم علیه مذهب تحقیق می‌کردند قرار گرفت. در نهایت قانون بلس فمی در سال ۲۰۰۸ توسط قانونی به نام قانون کیفری و مهاجرت سال ۲۰۰۸ کاملاً لغو گردید. بخش ۷۹ این قانون بیان داشته که جرم توهین به مقدسات و تقصیر کفرآمیز کامن‌لایی در انگلستان و ولز لغو می‌شود (۲۴).

لذا از سال ۲۰۰۸ تاکنون دیگر توهین به انبیای الهی در انگلستان جرم نیست. لغو قانون بلس فمی دلایل زیادی داشت که مهم‌ترین آن‌ها این بود: از آنجایی که به طریق اولی دین مسیحیت نیاز به حمایت ندارد حمایت از سایر ادیان الهی بی‌معنی و بدون توجیه و برخلاف حقوق و آزادی‌های بشر است (۲۵).

۵-۳-۱. پیشینه تاریخی مجازات جرم اهانت به مقدسات در انگلستان: قانون بلس فمی که برای جلوگیری از هرگونه آزادی بیان و انتقاد از مذاهب طراحی شده، از دوران باستان نشأت گرفته بود. مجازات بلس فمی در آن دوران مرگ با سنگسار کردن متهم بود. در دوره بعدی، یعنی دوران قرون وسطی، بلس فمی بخشی از قانون کانن (شرع) شد که مجازات آن، سوزاندن متهم در حالی که او را به ۴ میخ می‌بستند، بود. در واقع این قانون در آن زمان برای حفظ اقتدار دینی و موقعیت انحصاری و درآمد کلیسا مورد استفاده قرار می‌گرفت. در قرن شانزدهم بلس فمی جرم کامن‌لایی عنوان شد و در قرن هفدهم نیز توسط دادگاه سلطنتی به همین عنوان اعلام شد. در عمل، اتهامات بلس فمی چیزی بیشتر از وسیله‌ای برای حفاظت از عقاید و باورها و انحصار کلیسای انگلستان نبود. در سال ۱۶۵۷، کوئیلر جیمز نایر (نیلور) برای اتهام بلس فمی به مجازات شلاق و سوراخ کردن زبان به وسیله سیخ داغ محکوم شد. مجازات مرگ (اعدام) برای بلس فمی در سال ۱۶۷۶ لغو شد و با گذشت زمان، آزادی مذهب توسعه یافت و دادگاه‌ها به سمت محدود کردن استفاده از قانون و اجازه دادن به مذاکره‌های مذهبی حرکت کردند (۲۶). انگلستان همچنین قوانین بلس فمی را در سال ۱۶۹۷ تصویب کرد، اما این قوانین فقط توسط روحانیت کلیسای انگلستان اعمال می‌شد تا آنکه به دنبال توصیه و پیشنهادی از کمیسیون قانون در سال ۱۹۶۷ این قانون لغو شد. قانون کیفری پیشنهاد شده، «استفن کد» هرگز در انگلستان اعمال نشد و اتهامات کامن‌لایی بلس فمی و رفتارهای کفرآمیز در سال ۱۹۸۵ هم باقی ماند. کمیسیون قانون توصیه کرد که این اتهامات بدون جایگزینی لغو شود. در نهایت با حمایت نخست وزیر گوردون براون، در ۸ مه ۲۰۰۸، قانون قضایی و مهاجرت در سال ۲۰۰۸ قوانین بلس فمی انگلیس و ولز را لغو کرد که از ۸ جولای ۲۰۰۸ به اجرا درآمد (۲۷).

۵-۳-۲. اهانت به مقدسات در مجموعه قوانین کیفری انگلستان: اگرچه قوانین کیفری متعددی در رابطه با جرم‌انگاری توهین به مقدسات وضع شده، اما امروزه در حقوق انگلستان مقرراتی در این رابطه وجود ندارد، از جمله قوانینی که می‌توان در این مورد نام برد، مجموعه قوانینی است که در عصر هنری هشتم در سال ۱۵۲۹ وضع گردیده است. در این دوران دادگاه کمیسیون عالی، انواع مختلفی از بیانات از جمله توهین تحریک‌آمیز و توهین به مقدسات را جرم‌انگاری نمود. این دادگاه از سال ۱۵۳۹ با وضع قانون ۶ ماده‌ای، مسئولیت کیفری مطلق را در خصوص افرادی که دکترین ارتدکس را انکار می‌نمودند، اعمال کرد. در دوران انقلاب در سال ۱۶۵۰ پارلمان قانونی وضع نمود که به موجب آن توهین به مقدسات با مجازات اعدام همراه شد، اما با بازگشت نظام سلطنتی و نشستن چارلز دوم بر تخت در سال ۱۶۶۰ این قانون از قابلیت اجرایی خارج و دادگاه کمیسیون عالی که به این جرائم رسیدگی می‌کرد، منحل شد. در سال ۱۶۷۹ (با بازگشت نظام کلیسایی) قانون توهین به مقدسات به تصویب رسید که مواردی از انکار خدا، مسیح و حقانیت دین مسیحیت را مورد مجازات قرار می‌داد (۲۸). در سال ۱۸۱۹ قوانین شش‌گانه که از جمله شامل قانون توهین به مقدسات و توهین تحریک‌آمیز می‌شد، وضع گردید، اما در نهایت همه این قوانین به موجب قانون مجازات سال ۱۹۶۷ منسوخ شد. در سال ۱۹۸۵ کمیسیون حقوقی انگلستان، گزارش نهایی خود را همراه با پیشنهادهایی تقدیم پارلمان نمود. در این گزارش، آن‌ها با توجه به این دلیل که مقررات مربوط به جرم توهین به مقدسات دیگر بخشی غیر ضروری در کد جزایی مدرن است، خواهان نسخ این جرم بدون هیچ‌گونه جایگزینی برای آن شدند (۲۹).

پس از وضع قانون مربوط به اعمال تزویرآمیز در سال ۱۷۹۲ اهانت به مقدسات در دادگاه‌ها با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار گرفت. این قانون مقرر می‌دارد: «این سؤال که

آیا انتشار مطلبی واقعاً توهین‌آمیز بوده یا نه، یک شبهه موضوعی و در حیطه تصمیم‌گیری هیأت منصفه است و نه آنکه به عنوان شبهه حکمیه بر عهده قاضی باشد.» سال ۱۹۹۸ دولت انگلیس با وضع قانون حقوق بشر، مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را وارد حقوق داخلی این کشور نمود و از زمان تصویب این قانون تاکنون هیچ دعوایی در رابطه با توهین به مقدسات در انگلستان با موفقیت مورد تعقیب قرار نگرفته است. در قرن بیستم بلس فمی به ندرت مورد پیگیری قرار گرفت، اگرچه در اواسط این قرن، جرم بلس فمی به خاطر ترس و نگرانی و حساسیت افراد به این جرم تحت کنترل و نظارت بود و دیگر نیازی به اعمال قانون نبود. همچنین با توجه به نبود قانون مشخصی در حقوق انگلستان در مورد توهین به مقدسات، دادگاه‌ها هیچ‌گونه تمایلی به پیگیری و محکوم‌نمودن متهم به جرم توهین به مقدسات را نداشتند، حتی در صورت محکومیت، حکم به مجازات حبس نمی‌دادند و اگر منجر به صدور حکم از سوی مجلس اعیان می‌شد، دادگاه کامن‌لا متهمان را تنها به جریمه نقدی محکوم می‌کرد، به علاوه اگر آزادی پیروان ادیان جهت اقامه دادرسی‌های قانونی در رابطه با توهین به مقدسات لغو و در مرحله بدوی، فرد محکوم می‌شد، این حکم در مرحله تجدید نظرخواهی یا در دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر بر مبنای تبعیض یا انکار آزادی بیان نقض می‌شد. بالاخره قانون بلس فمی در انگلستان در سال ۲۰۰۸ لغو گردید که در قسمت پنجم از قانون عدالت کیفری و مهاجرت ۲۰۰۸ به این موضوع اشاره شده است (۳۰).

۵-۳-۳. بررسی رویه قضایی اهانت به مقدسات در حقوق انگلیس: جرم توهین به مقدسات جرمی کامن‌لایی است که ریشه در حقوق شرعی دارد و سابقاً در دادگاه‌های کلی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، ولی اخیراً و تا قبل از زمان لغو این مجازات، در دادگاه‌های کامن‌لا به آن‌ها رسیدگی می‌شد و مبنای جرم و مجازات بر اساس احکام صادره در دعوای قبلی بود.

با توجه به پرونده‌هایی که ظرف بیش از یکصد سال گذشته در مورد این موضوع در دادگاه‌های انگلیس مطرح شده درمی‌یابیم که این قوانین به سایر مذاهب قابل تسری نبوده و فقط دین مسیحیت را تحت پوشش قرار داده است، لذا برای جلوگیری از تبعیض نسبت به سایر مذاهب، تصمیم بر این شد که مقررات راجع به کفرنویسی به طور کلی در حقوق انگلستان لغو شود. در دعوایی که در سال ۱۹۹۱ در انگلستان مطرح شد، برای اولین بار تلاش شد که مقررات راجع به کفرنویسی به سایر مذاهب نیز تسری پیدا کند. این دعوا همانطور که قبلاً گفتیم علیه سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی و نیز ناشر این کتاب طرح شده بود. این جرم در دادگاه به این دلیل رد شد که جرم بلس فمی کامن‌لایه تنها برای مسیحیان به کار برده می‌شود و توجیهی ندارد که دادگاه آن را به سایر ادیان گسترش دهد و بر فرض هم اگر حق رسیدگی به دینی غیر از مسیحیت را داشت از این حق استفاده نمی‌کرد، چراکه تغییر قانون از طریق رویه قضایی را در مسائلی از این دست که کاملاً با ملاحظات راجع به نظم عمومی در ارتباط است، راه مناسبی نمی‌داند (۳۱).

بلس فمی در کامن‌لا با در نظر گرفتن قدر و منزلت قانونی آن تا پیش از سال ۲۰۰۸، باعث طرح سؤال مهمی شده است، به این معنا که بر اساس چه قاعده و قانونی در انگلستان تنها مقدسات میسحیت را پشتیبانی می‌کنند و دیگر مذاهب الهی از این حمایت محروم هستند؟ آیا این قانون به طور وضوح با نفی تبعیض که بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر آن تأکید دارند، مغایرت ندارد؟ با توجه به اینکه اهانت به پیامبر گرامی اسلام (ص) توسط سلمان رشدی در کشور انگلستان به وقوع پیوسته است، اما مراجع قضایی این کشور این عمل را غیر قابل تعقیب اعلام کردند که این موضوع نه فقط باعث اعتراض شدید مسلمانان شد، بلکه عده‌ای از دانشمندان حقوق غربی هم نتوانستند در مقابل این عمل مغرضانه و این قانون ظالمانه سکوت اختیار کنند و انتقاد مسلمانان به حقوق

انگلستان را قبول کرده و این انحصارگرایی در دین را تبعیض برشمردند و قانون مذکور را علیه ماده ۹ و ۱۴ کنوانسیون حقوق بشر دانستند که طبق آن هر نوع تبعیض بر اساس مذهب غیر قانونی قلمداد می‌شود. بنابراین در جرم اهانت به مقدسات، حقوق اسلام در برابر نظام کامن‌لا، از حیث پشتیبانی از دیگر مذاهب الهی، با قوانین حقوق بشر هماهنگی و سازش افزون‌تری دارد و در دیدگاه مسلمین احترام به عقاید دیگران و اهانت نکردن به مقدسات یکی از بارزترین حقوق بشری به شمار می‌آید (۳۲).

مورد دیگر، پرونده لمون سردبیر روزنامه گا است که طبق نظر دادگاه مجرم شناخته و به پرداخت ۵۰۰ یورو جریمه و نه ماه حبس تعلیقی محکوم شد. در سال ۱۹۷۹ تجدیدنظرخواهی از این دعوا صورت گرفت و مجلس اعیان به جای ضابطه احتمال برهم خوردن صلح و آرامش جامعه (که چندی بود در دادگاه‌های پایین‌تر ضابطه تشخیص کفرگویی شده بود) به این ضابطه که الفاظ و عبارات مورد ادعا باید احساسات و اعتقادات ریشه‌دار دینی مردم را شدیداً جریحه‌دار نماید، روی آورد. همین موضوع باعث شد که این مسأله که صرفاً انکار حقانیت دین مسیح یا اعتبار کتب مقدس از طریق نوشته، چاپ، آموزش یا بیانات همراه با توصیه، بر اساس قانون جرم شناخته شده و برای آن مجازات‌های متعددی پیش‌بینی گردیده، موجب تحیر بسیاری شود.

اما به طور کلی دادگاه‌ها که به حفظ ساختار اجتماعی موجود علاقمند بودند در دعاوی دیگر موضوع برهم خوردن صلح و آرامش را در صدور حکم، مد نظر داشتند و در دعاوی گات در سال ۱۹۲۲ به این موضوع اشاره شده است. جان ویلیام گات در ۹ دسامبر ۱۹۲۲ به جرم این اظهارات که کتاب مقدس، عیسی را وارد اورشلیم می‌کرد و به این دلیل که به مقایسه حضرت عیسی با دلقک سیرک پرداخته بود، به انجام نه ماه کار سخت و به جرم توهین به مقدسات به ۹ سال حبس محکوم شد (۳۴).

این است که نقض حق بر آزادی چه آثاری بر مسؤولیت دولت خواهد داشت؟

۴-۵-۱. حق بر آزادی و عدم تبعیض در قامت یکی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل: در چارچوب نظام حقوق بشر بین‌المللی، حق بر آزادی و عدم تبعیض یکی از مصادیق حقوق بنیادین بشری و یکی از مصادیق مسلم قواعد آمره است. با توجه به مفاد ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹، قاعده آمره حقوق بین‌الملل قاعده‌ای است که از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر شناخته شده و پذیرفته شده است که هیچ‌گونه تخطی از آن مجاز نیست و تنها با قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر است.

قواعد آمره دارای نقشی تأثیرگذار در موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل هستند و در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل قرار دارند. به بیان ساده‌تر، سایر هنجارهای حقوق بین‌الملل نمی‌توانند در تعارض با قواعد مزبور قرار گیرند. در هیچ سند بین‌المللی لیستی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل مشخص نشده است (۳۷). مصادیق قواعد آمره را باید در هر حوزه خاص با توجه به مجموعه هنجارها و رویه بازیگران بین‌المللی، تشخیص داد. مطابق با تعریف قواعد آمره که در کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات بیان شده است، قواعد آمره دارای یک ویژگی خاص هستند و آن اینکه، از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان یک هنجار غیر قابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته باشند (۳۸).

در فضای حقوق بشر برخی هنجارها به عنوان قواعد غیر قابل عدول مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. مطابق مفاد ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، برخی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در هیچ حالتی (حتی در شرایط اضطراری) قابل تعلیق نیستند. حقوق مزبور عبارتند از: ۱- ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛ ۲- حق حیات؛ ۳- ممنوعیت آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، از جمله تحت آزمایش‌های

از موارد دیگر، پیگرد قانونی یک گروه پروتستانی به نام صدای مسیحی علیه بی‌بی‌سی برای پخش پیش نمایش اپرای جری اسپرینگر (صحنه‌ای که حضرت عیسی را ملبس به لباس کودک به نمایش می‌گذاشت و اعتراف می‌کرد که وی هم‌جنس‌گرا است) در سال ۲۰۰۷ بود. این اتهام توسط دادگاه دادگستری وست مینستر رد شد، اما گروه صدای مسیحی درخواست لغو این حکم را داد. این درخواست دوباره رد شد، چراکه به نظر دادگاه جرائم بلس فمی کامن‌لایی به طور خاص در مرحله تولید اعمال نمی‌شود (۳۵).

همانطور که ملاحظه می‌کنیم، با این که توهین به حضرت مسیح قبل از زمان نسخ قانون بلس فمی می‌باشد، اما بدین علت که هنوز به نمایش گذاشته نشده و فقط در مرحله تولید و ساخت بوده، توسط دادگاه به عنوان جرم بلس فمی شناخته نشد و متهم تبرئه شد. نکته قابل ذکر این است که بر اساس حقوق انگلستان رویه قضایی در پرونده‌های توهین به مقدسات، بنا به دلایل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی تنها به حمایت از اعتقادات کلیسای انگلستان (مذهب آنلیکان که در انگلیس به موجب قانون تفوق، مذهب رسمی این کشور بود) که از سوی دولت مورد شناسایی قرار گرفته محدود می‌شد و در خصوص دیگر فرقه‌های مسیحیت، این حمایت تا اندازه‌ای بود که با اعتقادات کلیسای انگلستان، هم‌پوشانی داشته باشد (۳۶).

۴-۵-۲. مسؤولیت دولت در قبال آزادی اهانت به مقدسات:

در فضای حقوق بشر بین‌المللی دولت‌ها متعهد به تضمین مصادیق مختلف حقوق بشر بین‌المللی هستند. یکی از این مصادیق آزادی‌های مذهبی است. آزادی اهانت به مقدسات موجب تحریک احساسات عمومی جامعه نسبت به اقلیت‌ها می‌شود. در واقع با این آزادی اقلیت‌های مذهبی جامعه احساس امنیت فیزیکی و روانی برای انجام عبادات خود را ندارند. به عبارت دیگر حق آزادی افراد و عدم تبعیض به صورت مستقیم نقض می‌شود. حال پرسشی که مطرح می‌شود

مقررات حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تلقی می‌شود. در ادامه به بررسی جایگاه قواعد آمره در این طرح خواهیم پرداخت.

اولین ارجاع به قواعد آمره در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به ماده ۲۶ تحت عنوان «مطابقت با قواعد آمره» مربوط است. فصل پنجم از قسمت اول طرح کمیسیون به معاذیر رافع وصف متخلفانه فعل می‌پردازد. در این فصل شش وضعیت بیان شده است که در صورت وجود هر یک از آن‌ها، وصف متخلفانه فعل دولت از بین می‌رود. این شش وضعیت عبارتند از: رضایت، دفاع مشروع، اقدامات متقابل در برابر فعل متخلفانه بین‌المللی، فورس ماژور، اضطراب و ضرورت که ذیل مواد ۲۰ تا ۲۵ طرح کمیسیون شرح داده شده‌اند. به دنبال بیان این شش وضعیت، کمیسیون در ماده ۲۶ تصریح می‌کند: «هیچ یک از مقررات این فصل، رافع وصف متخلفانه فعل دولت که مغایر با تعهد ناشی از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد، نخواهد بود.»

همچنین کمیسیون در تفسیر همین ماده بیان می‌دارد که شرایط رافع وصف متخلفانه بودن فعل در فصل پنجم بخش نخست، هیچ‌گونه تخطی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام را مجاز ندانسته و آن را نمی‌پذیرد (۴۰). دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌کند نمی‌تواند از چنین قاعده‌ای تخطی کند. برای مثال نسل‌زدایی نمی‌تواند نسل‌زدایی متقابل را توجیه کند (۴۱). به همین ترتیب استناد به ضرورت و سایر معاذیر رافع نمی‌تواند نقض یک قاعده آمره را توجیه کند، البته باید توجه داشته باشیم که در اعمال برخی قواعد آمره ممکن است رضایت دولت تأثیر داشته باشد. به عنوان مثال، یک دولت می‌تواند به نحو معتبری به نیروی نظامی بیگانه در قلمرو خود برای هدفی مشروع اجازه حضور دهد (۴۰). در این مورد خاص رضایت در جهت یک هدف مشروع باید صادر شود، وگرنه چنانچه دولتی در اعلامیه رضایت خود تصریح کند که نسبت به تجاوز نظامی دولت دیگر رضایت دارد، به نظر

پزشکی یا علمی قرارداد؛ ۴- ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده؛ ۵- ممنوعیت حبس افراد به علت عدم توانایی اجرای تعهد قراردادی؛ ۶- عطف به ماسبق‌نشدن قوانین جزایی؛ ۷- تعهد به شناسایی شخصیت افراد انسانی؛ ۸- حق آزادی فکر، وجدان و مذهب. تعهدات فوق مصادیق بارز قواعد آمره در فضای حقوق بشر بین‌المللی محسوب می‌شوند و در رأس سلسله مراتب هنجاری نظام حقوق بین‌الملل قرار دارند (۳۹).

قواعد آمره در نظام حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها دارای آثار بسیار مهمی هستند. به بیان ساده‌تر، وضعیت دولتی که یکی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل را نقض کند با دولتی که یک هنجار غیر آمره را نقض کند، کاملاً متفاوت است. برای درک این مسأله لازم است به جایگاه قواعد آمره در نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بپردازیم.

۴-۵-۲. آثار قواعد آمره در فضای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه (مسئولیت مشدد): حقوق مسئولیت بین‌المللی یکی از شاخه‌های اصلی حقوق بین‌الملل است که با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل ارتباط تنگاتنگی دارد و عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی.

قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اساساً دارای حالتی غیر مدون است. به همین دلیل برای یافتن این قواعد باید به رویه قضایی محاکم دادگستری و داوری بین‌المللی، عرف و دکترین رجوع کرد. کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۶۹ بررسی طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را آغاز کرد تا سرانجام در نوامبر ۲۰۰۱ توسط کمیسیون به تصویب نهایی رسید. مع‌الوصف با توجه به اینکه در شرح مواد این طرح، کمیسیون حقوق بین‌الملل به کلیه آرای مراجع قضایی و داوری بین‌المللی و رویه دولت‌ها استناد کرده، این طرح (با اینکه هنوز مورد امضا و تصویب دولت‌ها قرار نگرفته و به شکل یک معاهده بین‌المللی درنیامده است) به عنوان منبع قواعد و

نمی‌رسد، رضایت مذکور رافع وصف متخلفانه فعل دولت متجاوز باشد.

دومین ارجاع به قواعد آمره در طرح کمیسیون، مربوط به مقررات فصل سوم از بخش دوم تحت عنوان «نقض‌های فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» است.

بند ۲ ماده ۴۰ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نقض جدی قاعده آمره را نقضی می‌داند که با قصور فاحش یا سیستماتیک (منظم و برنامه‌ریزی‌شده) همراه باشد. برای آنکه یک نقض، سیستماتیک تلقی گردد، باید به شکل سازمان‌یافته و عمدی صورت بگیرد. در مقابل، واژه فاحش به گستردگی تخلف یا آثار آن اشاره دارد، یعنی مشخص‌کننده تخلف‌هایی است که ماهیتی آشکار داشته و به منزله حمله مستقیم و بی‌محابا به ارزش‌های صیانت‌شده از سوی قاعده تلقی می‌شوند. باید توجه داشت که نقض‌های جدی معمولاً هم سیستماتیک و هم فاحش هستند (۴۰).

در ماده ۴۱ آثار نقض جدی تعهد ناشی از قواعد آمره بیان شده و دو تعهد سلبی و یک تعهد ایجابی برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است. تعهد ایجابی عبارت است از اینکه دولت‌ها ابتدا باید برای پایان‌بخشیدن به وضعیت ایجادشده در اثر نقض قواعد آمره، با یکدیگر همکاری کنند. بند اول ماده ۴۱ مقرر می‌کند: دولت‌ها باید برای پایان‌بخشیدن به هرگونه نقض خطیر تعهد در معنای مورد نظر ماده ۴۰ از طرق قانونی همکاری نمایند. حال این همکاری هم می‌تواند در قالب طرح‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد و هم در قالب سازوکارهای خارج از سازمان باشد، به شرطی که سازوکارهای اخیر، روند طرح‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد در موضوع اخیر ایجاد مانع نکند (۴۰).

تعهدات سلبی عبارت است از اینکه دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره، تعهد به عدم شناسایی وضعیت‌های ایجاد شده و همچنین عدم کمک و مساعدت در حفظ وضعیت مذکور را

دارند. بند ۲ ماده ۴۱ مقرر می‌دارد: هیچ دولتی نباید وضعیت حاصل از یک نقض فاحش تعهد در معنای مورد نظر ماده ۴۰ را قانونی شناخته و یا در حفظ آن وضعیت کمک یا همراهی نماید. در مورد تعهد به عدم شناسایی باید بگوییم که این تعهد شامل هر دو نوع شناسایی صریح و ضمنی می‌باشد و در قضایای مختلف و مواضع متفاوت توسط مراجع بین‌المللی و حتی خود دولت‌ها اتخاذ شده است (۴۰)؛ تعهد سلبی دوم که دولت‌ها دارند، منع ارائه کمک و مساعدت در حفظ وضعیت ایجاد شده، در نتیجه نقض قاعده آمره می‌باشد. باید متذکر شویم که برای مسؤول شناخته‌شدن دولتی از باب مساعدت دو عنصر لازم است: یکی علم و آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی؛ دیگر اینکه فعل مورد نظر که دولت مساعدت کننده، کمک به انجام آن می‌کند، اگر توسط دولت مساعدت کننده هم انجام شود، متخلفانه باشد (که این شرط در مورد قواعد آمره قطعاً وجود دارد)، اما این دو شرط برای موردی است که نخست نقضی رخ داده است، در حالی که بحث فراتر از این قضیه و مربوط به حالتی است که نقض رخ داده و دولت‌ها تعهد به عدم مساعدت برای حفظ وضعیت موجود را دارند (۴۰).

آخرین اشاره طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل به مقوله قواعد آمره در ماده ۵۰ این طرح آمده است. کمیسیون پس از بیان شرایط توسل به اقدامات متقابل در ماده ۴۹، تعهداتی را که تحت تأثیر اقدامات متقابل قرار نمی‌گیرند، ذیل ماده ۵۰ بیان کرده است. ماده ۵۰ طرح کمیسیون مقرر می‌دارد: ۱- اقدامات متقابل بر تعهدات ذیل تأثیری نخواهد داشت: - تعهد خودداری از تهدید یا توسل به زور به شرح مندرج در منشور ملل متحد؛ - تعهدات راجع به صیانت از حقوق بنیادین بشر؛ - تعهدات با ماهیت بشردوستانه که اقدامات تلافی‌جویانه را منع می‌کنند؛ - دیگر تعهداتی که منبعث از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام است؛ ۲- دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌ورزد از ایفای تعهدات خود در موارد زیر معاف نیست: - رعایت هرگونه

آیین حل و فصل اختلاف حاکم بین آن و دولت مسؤول؛ - احترام به تعرض ناپذیری نمایندگان سیاسی یا کنسولی، اماکن، بایگانی‌ها و اسناد آن‌ها.

بند «د» ذیل پاراگراف ۱ اقدامات متقابلی که تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام را تحت تأثیر قرار می‌دهند، منع می‌کند. آشکار است که یک قاعده آمره که حتی با یک معاهده بین دو دولت نمی‌توان از آن تخطی کرد به طریق اولی با عمل یکجانبه یک دولت در قالب اقدامات متقابل قابل تخطی نیست. این قسمت تأکید مجددی است بر آنچه که در ماده ۲۶ از آن سخن رفت مبنی بر اینکه معاذیر رافع مسؤولیت مذکور در فصل پنجم بخش نخست بر متخلفانه بودن هرگونه فعل دولت که مغایر تعهد ناشی از یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد، تأثیر نمی‌گذارند. اشاره به دیگر تعهدات ناشی از قواعد آمره نشان می‌دهد که قسمت «د»، قسمت‌های قبلی را که برخی از آن‌ها شامل قواعدی با ویژگی آمره هستند، محدود نمی‌کند و به ویژه قسمت‌های «ب» و «ج» اعتبار خویش را حفظ می‌کنند (۳۷). بنابراین با توجه به سیاق بند «د» ماده ۵۰ مصادیق بیان شده در قسمت‌های «الف»، «ب» و «ج» از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، قواعد آمره محسوب می‌شوند (۴۲).

۶. نتیجه‌گیری

اهانت به مقدسات رفتاری خلاف اصول و قواعد اخلاقی می‌باشد که در هیچ رویکرد و مکتب فلسفی - اخلاقی مجاز نیست. به بیان ساده‌تر، این رفتار در حوزه اخلاق که یکی از مبانی اصلی نظام‌های حقوقی محسوب می‌شود، تجویز نشده و در تمام نظام‌های حقوقی که بر پایه مذهب طراحی شده‌اند (مانند نظام حقوقی ایران)، جرم‌انگاری شده است، اما در نظام‌های حقوقی که بر پایه مذهب طراحی نشده‌اند، به صورت کم‌رنگ‌تر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است. در نظام حقوقی انگلستان نیز به مرور زمان و با کم‌رنگ‌شدن نقش دین

در جامعه، تلاش برای جرم‌زدایی از اهانت به مقدسات آغاز شد و در نهایت به استناد حق بر آزادی بیان، در سال ۲۰۰۸، از نظام حقوق کیفری انگلستان حذف گردید. حذف جرم اهانت به مقدسات موجب افزایش تنش‌ها و اختلافات مذهبی در سطح جامعه می‌شود و حق بر آزادی مذهبی و عدم تبعیض را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حق بر آزادی دارای مصادیق متعددی است که یکی از آن‌ها، حق آزادی مذهبی است. در واقع شهروندان باید بتوانند با فراغ بال و آرامش کامل حقوق را اعمال کنند. در میان مصادیق مختلف حقوق بشر سلسله مراتب هنجاری قرار دارد. به بیان ساده‌تر، باید میان حقوق بنیادین و غیر بنیادین بشری قائل به تفکیک شویم. مقصود از حقوق بنیادین بشری، حقوقی می‌باشند که در هیچ شرایطی (حتی اضطرار و جنگ) قابل تعلیق نیستند، اما حقوق غیر بنیادین بشری حسب شرایط خاص ممکن است به صورت موقت به حالت تعلیق درآیند.

نکته دیگر در ارتباط با حقوق بنیادین بشری این است که در موارد نقض حقوق مزبور نمی‌توان به علل و عوامل رافع و موجهه مسؤولیت (مانند اقدامات متقابل) استناد کرد. این اوصاف حقوق بنیادین بشر به واسطه وصف آمره آن‌ها می‌باشد. به تعبیری، حقوق بنیادین بشری در فضای حقوق بین‌الملل موضوعه به عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شوند. مفهوم قواعد آمره بین‌المللی در نظام حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب هنجاری ایجاد کرده است. به بیان ساده‌تر، قواعد مزبور در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل به واسطه قرارگرفتن در رأس سلسله مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل، دارای آثار خاصی می‌باشند. حوزه حقوق مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز از این مسأله مستثنی نیست. به نظر می‌رسد تعهدات دولت‌ها در زمینه تضمین آزادی‌های مذهبی و عدم تبعیض بر اساس دین و مذهب دارای وصف «آمره» می‌باشند، در نتیجه در فضای حقوق مسؤولیت بین‌المللی این امکان وجود دارد که الگوی مسؤولیت مشدد (یا همان

مسئولیت برای نقض قواعد آمره) برای دولت‌ها در نظر گرفته شود. جرم‌زدایی اهانت به مقدسات موجب می‌شود که دعاوی شهروندان در ارتباط با نقض حقوق آن‌ها چه در محاکم بین‌المللی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و چه در محاکم ملی، عملاً علیه دولت مطرح شود، زیرا با حذف جرم‌انگاری اهانت به مقدسات امکان طرح دعاوی کیفری علیه اشخاص ناقض برای شهروندان وجود ندارد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Partington M. Introduction to the English Legal System 2019-20. Oxford: Oxford University Press; 2019.
2. Cinelli L. Legal Positivism in a Global and Transnational Age. Edited by Siliquini-Cinelli L. London: Springer; 2019.
3. Rohami H, Parvizi S. Insulting religious sanctities in Iranian and British law. *Legal Journal of Justice*. 2013; 81(1): 11-38. [Persian]
4. Hashemi M. Insulting the sacred in Islamic and common law. *Porch of Thought*. 2001; 2(1): 92-110. [Persian]
5. Veatch R. Medical Ethics. London: Jones and Bartlett Publishers; 1997. p.33-34.
6. Asef M. Approximation of religions; From view to action. Qom: Adyan Publication; 2007. p.100-115. [Persian]
7. Aghanoori A. Imams and Islamic unity. Qom: University of Religions and dinominations; 2007. p.124. [Persian]
8. Basu D, Miroshnik V. Ethics, Morality and Business: The Development of Modern Economic Systems. London: Springer International Publishing; 2020. p.19-20.
9. Sayyid Razi M. Nahj al-Balaghe. Qom: Hejrat; 1999. p.506-507. [Persian]
10. Warmke B, Nelkin D, McKenna M. Forgiveness and Its Moral Dimensions. Oxford: Oxford University Press; 2021. p.4-6.
11. Chander K. Moral Values, Attitudes and Moods. London: Brahma Kumaris; 2021. p.184-185.
12. Corley J. Sirach. London: Liturgical Press; 2016. p.42-43.
13. Govier T. Forgiveness and Revenge. London: Taylor & Francis; 2011. p.8-9.
14. Xie C. (Im)politeness and Moral Order in Online Interactions. London: John Benjamins Publishing Company; 2020. p.11-15.
15. Mehrpoor H. Human rights in international documents and the position of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Etelaat; 2009. p.359. [Persian]
16. Aamid H. Dictionary. Tehran: Amir Kabir; 1982. p.1076. [Persian]
17. Dehkhoda AA. Dictionary. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran; 1998. [Persian]
18. Marjani S. Investigation of the crime of insulting religious sanctities in the subject laws and jurisprudential texts. *Monthly*. 2008; 16(12): 4-39. [Persian]
19. Mirmohammadsadeghi H. Crimes against public security and comfort. Tehran: Mizan; 2019. p.164-181. [Persian]
20. Nash D. Blasphemy in Modern Britain. London: Taylor & Francis Group; 2020. p.3-5.
21. Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017. p.1-3.
22. Dacey A. The Future of Blasphemy: Speaking of the Sacred in an Age of Human Rights. London: Continuum International Publishing; 2012. p.11-16.
23. Hill M, Sandberg R. The Right to Blaspheme. In: Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017.
24. Ministry of justice, circular 2008/01, Criminal justice and Immigration act 2008 (provisions commencing in July 2008). 2008.
25. Cram I. Blasphemy, the Public Sphere and Democratic Self-Government. In: Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017.
26. Vyver J. Religious Human Rights in Global Perspective: Legal Perspectives. Hague: Springer Netherlands; 1996. p.223-225.
27. Nash D. Blasphemy in the Christian World: A History. Oxford: Oxford University Press; 2010. p.33-39.
28. Hume D. The History of England Part D. London: Outlook Verlag; 2020. p.62-69.
29. Froude J. History of England. London: Outlook Verlag; 2020. p.32-33.
30. Tudor M. Froude's History of England. London: Outlook Verlag; 2020. p.177-178.

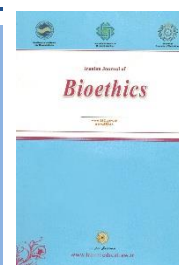
31. Hare I. The Theory and Practice of Blasphemy in the Common Law. In: Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017. p.576-594.
32. Limon M, Ghanea N, Power H. Freedom of Expression and Religions, the United Nations and the '16/18 Process'. In: Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017. p.645-680.
33. Gubo D. Blasphemy and Defamation of Religions in a Polarized World: How Religious fundamentalism is challenging fundamental Human Rights. London: Lexington Books; 2014. p.89.
34. Cumper P. Blasphemy, Freedom of Expression and the Protection of Religious Sensibilities in Twenty-First-Century Europe. In: Koltay A, Temperman J. Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre. Cambridge: Cambridge University Press; 2017. p.137-166.
35. R(Green)v city of Westminster Magistrates court [2007] EWHC 2785(Admin). 2007.
36. Loetz F. Dealings with God: From Blasphemers in Early Modern Zurich to a Cultural History of Religiousness. London: Ashgate Publishing Limited; 2013. p.271-275.
37. Beyranvand F. Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. MA Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2013. p.100. [Persian]
38. Yaghuti E, Khazaei A, Beyranvand F. Inquiries about Jus Cogens and Erga Omnes Obligations in International Law. Tehran: Islamic Azad University of Central Tehran Publisher; 2019. p.35-36. [Persian]
39. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p.325. [Persian]
40. ILC. Commentary of the commission on draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, 2001. Art.26 Para.4; Art.26 para.6; Art.40 para.8; Art.41 para.2-3; Art.41 para.5; Art.41 para.11; Art.50 para.9.
41. I.C.J. Reports, Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. para.35.
42. Kawasaki K. International Jus Cogens in the Law of State Responsibility. In: Focarelli C. Le Nuove Frontiere Del Diritto Internazionale. Paris: Morlacchi Editore; 2008. p.145-166.



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e14

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35393>



ORIGINAL RESEARCH



Ethical-Legal Investigation of the Crime of Blasphemy in the Light of Legal System of Iran and United Kingdom with Emphasis on the Aggravated Responsibility of States

Arezoo Ghorbani¹ , Mohammad Reza Shadmanfar^{2*} , Masoud Heidari³, Mahmood Ashrafi⁴

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 02 March 2021

Accepted: 02 August 2021

Published online: 12 November 2021

Keywords:

Blasphemy

Human Rights

States' Liability

Peremptory Norms

* **Corresponding Author:** Mohammad Reza Shadmanfar

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Postal Box: 8155139998

Email: Mrsh23@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Governments have a duty to guarantee the right to freedom of expression for the people. In the 1980s, with the rise of ideas about freedom of expression, this idea entered the field of law and politics that restrictions on insulting and ridiculing religions and sanctities were a violation of the right to freedom of expression. In this regard, some governments have decriminalized blasphemy. The purpose of this study is to investigate the crime of blasphemy from the perspective of ethics and law in the legal systems of Iran and the UK with a view to the aggravated responsibility of the government.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and its method is descriptive-analytical. The method of data collection is library and it has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, while paying attention to the originality of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The research findings show that, blasphemy is not allowed within the framework of the basic principles of ethics, which are commonly accepted in different moral schools. In the Iranian legal system, blasphemy is not limited to the sacredness of Islam. In English legal system, only blasphemy was forbidden and finally after 2008, it was removed from the criminal code altogether. The decriminalization of blasphemy leads to a violation of the right to religious freedom and non-discrimination on the basis of religion.

Conclusion: It seems the state's commitments to guarantee religious freedom and non-discrimination on the basis of religion has described as "peremptory" requirements. As a result, in the area of international liability law, it is possible for states to adopt a pattern of aggravated liability (or liability for breach of peremptory rules).

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:	Ghorbani A, Shadmanfar MR, Heidari M, Ashrafi M. Ethical-Legal Investigation of the Crime of Blasphemy in the Light of Legal System of Iran and United Kingdom with Emphasis on the Aggravated Responsibility of States. <i>Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)</i> . 2021; 11(36): e14.
------------------------------	--

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)